

الگوی انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های معاصر در جهان اسلام

علی شجاعی فرد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

چکیده:

برای شناخت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، عوامل و مولفه‌های نشأت گرفته از ماهیت نظام بین الملل، جهان در حال توسعه، نظام‌های انقلابی، سرشت اسلامی انقلاب ایران و نظام سیاسی برخاسته از آن که در تعامل با یکدیگر سیاست خارجی ایران را شکل می‌دهند، باید ملاحظه گردد. جنبش‌های معاصر در جهان اسلام در زمینه تحولات انقلابی توانسته چشم‌انداز جدیدی جهت اثرگذاری انقلاب اسلامی ایران در توسعه این حرکت‌ها ایجاد نماید. زمینه‌های مشابهی همچون ضدیت با اسرائیل، مقابله با نظام سلطه و افزایش هویت بین انقلاب اسلامی و اتفاقات منطقه وجود دارد. همین موضوع می‌تواند در کنار ظرفیت‌های عدالت‌محوری و سلطه‌ستیزانه انقلاب، یک الگوی کامل برای این تحولات در مسیر ایجاد نظام‌های مردمی محسوب شود. در این میان، جایگاه حمایت‌های آشکار ایران از خیزش‌های مقاومت در منطقه و سیاست‌های ایران در قبال تحولات رژیم صهیونیستی و در مقابل، ناکارآمدی سران جهان اسلام در برابر این رژیم، ایجاد حکومتی مردمی را نظیر آنچه در ایران بر سر کار است در میان ملت‌های منطقه، تقویت کرده است. این مقاله سعی نموده است با روش تحلیلی و با مراجعه به منابع اسنادی به این سؤال پاسخ دهد که الگوی انقلاب اسلامی چه رابطه‌ای با جنبش‌های اسلامی معاصر دارد.

واژگان اصلی: الگو، انقلاب اسلامی ایران، جهان اسلام، جنبش‌های معاصر.

مقدمه

می‌توان بیان کرد که نظام اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت، به صورت بهترین الگو و مهم‌ترین خواسته سیاسی مبارزان مسلمان درآمد. تا قبل از انقلاب ایران، مسلمانان جهان مسلمان بودن خود را پنهان می‌کردند، ولی امروزه نه تنها مسلمانان احساس عزت می‌کنند، بلکه با گسترش امواج بیداری اسلامی، نظام سلطه و مورد حمایت آمریکا در مقابله با موج اسلام‌گرایی با چالش مواجه شده‌اند. بی‌تردید انقلاب اسلامی مهم‌ترین تاثیر را در این رشد داشته است. انقلاب اسلامی ایران در رشد و تحرک سیاسی بسیاری از جنبش‌های اسلامی سیاسی نیز نقش داشته است. چنین تأثیری با مروری بر جریان سیاسی جنبش‌های اسلامی سال‌های اخیر به وضوح دیده می‌شود. (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۸-۶۶).

وقوع انقلاب اسلامی همه کشورهای منطقه در محاسبات خود تجدیدنظر کردند. ایران از پایگاه اصلی امپریالیسم و حکومت‌های مرتجع منطقه به ایران اسلامی و پایگاه حمایتی مقاومت اسلامی تبدیل شد. بسیاری از الگوی انقلاب سرمشق گرفتند و فلسطین و لبنان و دیگر کشورهای اسلامی از آن پیروی کردند و در نتیجه یک بیداری اسلامی و انقلابی شکل گرفت. این بیداری موجب بازگشت کرامت و حقوق انسانی شد و جبهه‌ای در برابر نیروهای استعمارگر ملت‌ها ایجاد کرد و به پناهگاه و مرجعی برای همه انقلابیون جهان چه مسلمان و چه غیر مسلمان تبدیل شد. امام خمینی (رحمه الله) با نهضت و انقلاب خود نوع جدیدی از روابط را در منطقه پی‌ریزی کرد که برآمده از طرح اسلامی با ساختار ویژه تمدنی اسلامی آن بود. این طرح موجب بازسازی شبکه‌ای از روابط در منطقه عربی و اسلامی گردید که کاملاً متفاوت از قبل از انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. در طرح اسلامی امام خمینی نیروهای اسلامی در تعامل با نیروهای ملی و ملی‌گرا آن را مکمل خویش قرار دادند و به جای برخورد و دشمنی با آن متحد شدند، چرا که اساساً اسلام از این منظر چارچوب و دامنه‌ای فراگیر و وسیع دارد که همه فرزندان امت را از هر طیفی در خود جای می‌دهد (دهشیری، ۱۳۸۵: ۶۸-۶۶).

پژوهش حاضر به بررسی الگوی انقلاب اسلامی ایران در جنبش‌های معاصر در جهان اسلام می‌پردازد.

۱. جنبش‌های اسلامی معاصر

گی روشه می‌گوید: «جنبش اجتماعی عبارت از سازمانی کاملاً شکل گرفته و مشخص است که به منظور دفاع، گسترش و یا دستیابی به اهداف خاصی به گروه‌بندی و تشکل اعضا می‌پردازد.» تام باتامور در جامعه‌شناسی سیاسی نیز جنبش را چنین تعریف می‌کند: «به طور کلی جنبش اجتماعی و سیاسی به کوشش جمعی برای پیشبرد هدف یا مقاومت در برابر دگرگونی در یک جامعه اطلاق می‌شود.» (باتامور، ۱۳۶۶: ۵۶)

می‌توان گفت، جنبش اجتماعی در معنای عام آن عموماً به عمل جمع‌کنندگی از مردم اشاره دارد که هدفشان «ایجاد دگرگونی اجتماعی یا تغییر بخشی از سیمای آن است». از نظر آنتونی گیدنز «جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک از طریق عمل اجتماعی خارج از حوزه‌های نهادهای رسمی تعریف کرد.» البته جنبش الزاماً یک حزب یا سازماندهی و رهبری واحد نیست. «یک جنبش معمولاً به علت گستردگی افکار و عقاید، طیف وسیعی از مردم را در خود جای می‌دهد و غالباً به ایجاد انواع گروه‌های نسبتاً آشکار سیاسی در درون خود گرایش دارد.» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۶۰۷)

جنبش‌های اجتماعی با شکل‌های ابتدایی رفتار جمعی از قبیل آشوب متفاوتند؛ زیرا جنبش‌های اجتماعی سازمان یافته‌تر و پایدارتر از رفتار جمعی است. رفتار جمعی به آن نوع رفتار گروهی گفته می‌شود که بدون ساختار، خودانگیخته، عاطفی و پیش‌بینی‌ناپذیر باشد. جنبش اجتماعی با نهاد نیز متفاوت است؛ فرق اصلی‌شان در این است که نهاد دارای تداوم است، اما جنبش اجتماعی در مقایسه با نهاد دوام کمتری دارد. (کوئن، ۱۳۷۸: ۴۰۳) توافق تقریباً عامی وجود دارد که جنبش‌های اجتماعی می‌بایست به عنوان یک نوع خاص تضاد اجتماعی در نظر گرفته شوند. (کوهن و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۲-۷۱)

دکتر کلیم صدیقی معنی عام و متداول از جنبش‌ها را به تعریف جنبش‌های اسلامی نیز تعمیم می‌دهد. او در تعریف نهضت اسلامی (جنبش اسلامی) می‌نویسد: «نهضت اسلامی به آن بخشی از امت اطلاق می‌شود که امکانات و منابع معنوی، مادی و انسانی خود را در جهت تأسیس حکومت اسلامی بسیج می‌نماید.» (صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۰۷) همه این جنبش‌ها بر بازگشت به ارزشهای اسلامی و احیای اسلام اصیل، به عنوان تنها راه برون‌رفت از بحرانهای جهان اسلام تأکید می‌کنند.

۲. قدرت نرم انقلاب اسلامی

مولفه قدرت نرم در فرهنگ اسلامی برابر آموزه ای مبین اسلام و شاخص‌های اصلیان توجه به نیازهای فطری انسان، ترویج معنویت، عدالت، آزادی، پرهیز از دنیاگرایی محض و نگاه به زندگی دنیوی و حیات جاوید اخروی است. تاپیش از انقلاب اسلامی ایران دین اسلام فقط یک ایدئولوژی مذهبی محسوب می‌شد. اما انقلاب اسلامی ایران جنبه‌های بالقوه سیاسی آن را به فعلیت درآورد و تفکر اسلام ناب با انسجام ساختاری خود در ایران نشان داد که توانایی ایجاد یکی از انقلاب‌های بزرگ تاریخ را دارد. این توانایی باعث شد بسیاری از نهضت‌های آزادی بخش به ویژه در آسیا و آفریقا، توجه خود را به ایران و اسلام معطوف کنند. توجه جنبش‌های آزادی بخش، کشورها، و شخصیت‌های اسلامی به نقش پرتوان اسلام در صحنه سیاسی باعث شد که ژئوپولوتیک کشورهایی که از جمعیت یا اکثریت مسلمان برخوردار بودند در نگرشی مجدد ارزیابی شود. این امر از آن جهت اهمیت داشت که پیوستگی جغرافیایی و جایگاه خاص این کشورها به لحاظ دسترسی به عظیم‌ترین منابع نفتی، خودنمایی می‌کرد و پدیده ای به نام جهان اسلام را مطرح نمود. به این ترتیب طرح دیده گاه‌های جدید ژئوپولوتیکی و پیوند آنها با گرایش‌های فرهنگی، نقش جغرافیایی و ژئوپولوتیکی جهان اسلام، و سرانجام قدرت انقلاب اسلامی این اندیشه را به وجود آورد که در پیدایش و بزرگی ژئوپولوتیکی نه تنها باید ایدئولوژی مذهبی و مولفه فرهنگ توجه کرد بلکه باید به توانایی‌های عملیاتی آنها نظر داشت. وقوع انقلاب در منطقه پیامدهایی را به دنبال داشت، از جمله اینکه عوامل موثر بر ژئوپولوتیک منطقه را متحول ساخته به طوری که ایدئولوژی اسلام ناب و مفاهیم و آموزه ای انقلابیان، علاوه بر اینکه رقیب جدی برای لیبرالیسم غرب محسوب می‌شد، به منزله عاملی ژئوپولوتیک، نظر بسیاری از صاحب نظران را به خود جلب نمود. بنابراین، شاید بتوان گفت عنصر تشیع در انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های شیعی منطقه، سایر عوامل ثابت و متغیر ژئوپولوتیک منطقه را حساس‌تر و مهم‌تر کرد. برخی از مهم‌ترین نشانه‌های قدرت نرم ایران در گسترش تحولات انقلابی را می‌توان در موارد زیر یافت:

۲-۱. هویت اسلامی و ایدئولوژی سیاسی

انقلاب اسلامی ملت ایران هرچند یک رویداد مهم تاریخی و نقطه عطفی در پیشینه این ملت کهن و ریشه‌دار بوده است، ولی یک رویداد پایان‌یافته نیست، بلکه یک جریان پویا و زنده و سرآغاز یک فرآیند تحولی تمدن‌ساز در گستره امت اسلامی و فراتر از آن در سطح جهانی است

که با رشد تکاملی و تصاعدی توانسته است جبهه مقاومت پایدار در برابر جبهه سلطه‌گر را پدید آورد و مبتنی بر اندیشه‌ای متقن، اصیل و فطرت‌مدار در برابر اندیشه چپ و راست مدرنیته، راه تازه‌ای را برای پیشرفت و سعادت انسان‌ها ارائه دهد.

این انقلاب به‌مثابه یک حقیقت زنده و پویا، دارای هویتی است که تمایزات بنیادین با سایر انقلاب‌ها دارد. «هویت انقلاب اسلامی» عبارت است از عوامل، عناصر، مقوله‌ها و نمادهایی که تمایزبخش انقلاب اسلامی با جنبش‌ها، جریان‌ها و انقلاب‌های غیراسلامی است. انقلاب اسلامی ایران که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، هم هویتی مستقل و متفاوت از سایر انقلاب‌ها دارد و هم دارای هویتی متمایز از سایر جنبش‌هایی است که پیش از انقلاب اسلامی، در ایران به وقوع پیوسته است.

بازخوانی و ترسیم مؤلفه‌های هویتی انقلاب اسلامی از آن جهت ضرورتی قطعی و مستمر است که مراکز استکباری برای مقابله با آن، همواره برای تحریف، تقلیل و تقطیع مؤلفه‌های هویتی انقلاب، همه تلاش خود را به‌کار بسته‌اند و همچنان در این راه از همه ترفندها و ابزارها استفاده می‌کنند؛ هرچند همواره ناکام مانده‌اند و تلاش‌هایشان به نقض غرض و نتیجه معکوس انجامیده است، اما وظیفه همیشگی جبهه انقلاب رویارویی فکری و فرهنگی با این تلاش‌ها برای حفظ اصالت انقلاب و پیشگیری از تحریف آن است و این قطعاً یکی از میدان‌های اصلی «جهاد تبیین» به شمار می‌آید.

محوری‌ترین، عمیق‌ترین و اصلی‌ترین مؤلفه هویتی انقلاب اسلامی، «اسلام» است که در شکل‌دهی ایدئولوژی انقلاب، ایجاد و تعمیق‌انگیزه‌های انقلابی، ترسیم مسیر و کیفیت مبارزات و تعیین چهارچوب‌های راهبردی نظام برآمده از انقلاب، نقش اساسی و بی‌بدیل داشته و دارد. اسلامی که در روزگار ما، امام خمینی قدس سره، برجسته‌ترین روایتگر، احیاگر و مفسر آن بود؛ اسلام فطرت و عقلانیت، اسلام قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام، اسلام جهاد و اجتهاد، اسلام فقاہت و حکمت، اسلام آزاداندیشی و فکرورزی، اسلام جامع و اجتماعی، اسلام اقتدار و پیشرفت، اسلام مظلومان و پابرهنگان، اسلامی که علمای راستین آن تشنه خون سرمایه‌داران زالوصفت بوده‌اند و در این مسیر، خون پاک خود را هدیه کرده‌اند ... یعنی «اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم»

(farsi.khamenei.ir)

۲-۲. معنویت‌گرایی

امواج اسلامی در شکل‌گیری جنبش‌های خاورمیانه تأثیرگذار بوده‌اند و در تحولات بعدی

آن نیز جایگاه مهم خواهند داشت (نوریخس، ۱۳۹۰: ۹). انقلاب اسلامی بر اساس معنویت شکل گرفت و در ادامه از کارکردهای آن بهره گرفت. شعار استقلال و آزادی خودباوری و اعتماد به نفس و امید به آینده اینها از کارکردهای بسیار مهم اصل معنویت در انقلاب بود و با تقویت این اصل انقلاب می‌تواند به این شعارهای خود برسد. یکی از عملکردهای مهم اصل معنویت، سامان دهی به سبک زندگی مؤمنانه در دنیای جدید است. اندیشه انقلابی و رفتار مبتنی بر آن یک سبک خاصی در جهان سیاست است. این کارکرد به همه افکار، رفتارها سمت و سو می‌دهد و تفاوت ایجاد می‌کند. (جمالزاده، ۱۳۹۱: ۷).

انقلاب اسلامی دستاوردها و پیشرفت‌های فراوانی داشته است بدون شک هر نظام سیاسی دیگری نیز می‌تواند در این حوزه‌ها، دستاوردهایی را برای خود ترسیم و مطرح نماید اما وجه متمایز انقلاب اسلامی مردم ایران با سایر انقلاب‌ها در دستاوردهای دینی، اخلاقی و معنوی‌ای است که برای جامعه ایران به ارمغان آورد. «یکی از وجوه عظمت انقلاب... که این انقلاب را، انقلاب اسلامی را بکلی با انقلابهای دیگر متفاوت می‌کند... یکی‌اش همین حضور معنویت در این انقلاب است.» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۳/۱۴)

۲-۳. ضدیت با رژیم‌های استبدادی

ایران انقلاب اسلامی و جنبش‌های اخیر منطقه دارای وجه مشترک دیگری هستند. تسلط کشورهای غربی و به ویژه آمریکا در ساخت قدرت سیاسی و امنیتی این کشورها یکی از نقاط مشترکی است که در مورد تمامی این کشورها مصداق مشخص و روشنی دارد. حضور رژیم صهیونیستی در این منطقه و تعهد آمریکا به تامین امنیت دائمی این رژیم از سوی خود باعث می‌شد که آمریکایی‌ها برای حضور در ساختار سیاسی و امنیتی این کشورها برای جلوگیری از رشد عناصر ضد صهیونیستی و تقویت جریان‌ات سازشگر در میان حاکمان این کشورها تلاش وافر بنمایند. نمونه‌های فراوانی وجود دارد که همراهی حکمرانان این کشورها علی‌رغم وجود اراده‌های قوی مردمی مبنی بر مبارزه با رژیم صهیونیستی تنها به علت هم‌پیمانی با آمریکا و اسرائیل نه تنها به این خواست‌ها و وضعی نهاد بلکه دقیقاً در نقطه مقابل خواست اکثریت مردم کشورهای خود همراه و همسو با آمریکا و رژیم صهیونیستی در جهت تأمین منافع آنان گام بر می‌داشتند. امضای پیمان صلح با اسرائیل، موافقت با حمله اسرائیل به غزه و جریان مقاومت اسلامی در منطقه، محدود کردن مبارزان فلسطینی، بستن گذرگاه رفح و محاصره کامل غزه به درخواست رژیم

صهیونیستی و اسرائیل و علی‌رغم خواست اکثریت مردم این کشورها تنها چند نمونه از هزاران اقدامی بود که حکمرانان این کشورها تنها به خواست آمریکا و اسرائیل انجام می‌دادند (عباسی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

۲-۴. عدم خشونت

امام‌خمينی(ره) ثابت کرده است بخشی از دانش رهبری و هدایت سیاسی جامعه انقلابی را از تجربه سیاسی روحانیت شیعه در دوران معاصر، به‌ویژه از عصر مشروطه به این‌سو به‌دست آورده است. ایشان کاملاً بر این مسأله واقف بود که چگونه نیروهای سیاسی مشروطه‌خواه برای رسیدن به قدرت از مرجعیت دینی سوءاستفاده کرده‌اند و به محض کنار زدن استبداد به‌گونه‌ای خشونت‌آمیز و سرکوبگرانه درصد حذف روحانیت و نیروهای مذهبی برآمدند. ایشان می‌دانستند که فضای سیاسی رادیکال، فرصت مناسبی را برای توطئه حذف اسلام سیاسی پدید خواهد آورد. بر این اساس، یکی از دغدغه‌های اصلی امام‌خمينی(ره) حفظ وحدت و آرامش سیاسی و جلوگیری از بروز هرگونه رفتارهای تند و افراطی از سوی نیروهای سیاسی بوده است.

۲-۵. اسلام سیاسی

نخستین تحلیل‌های اندیشمندان پدیده انقلاب اسلامی برای تبیین نهاد انقلاب اسلامی، توجه به مذهب تشیع بوده است. اسکاچپل می‌نویسد «اسلام شیعی هم از نقطه نظر سازمانی و هم از لحاظ فرهنگی برای ایجاد انقلاب ایران علیه شاه نقش تعیین‌کننده داشت. روحانیان انقلابی که تابع آیت‌الله خمینی بودند عقاید سیاسی را تبلیغ می‌کردند که شاه را زیر سؤال می‌برد. سپس شبکه‌ها، روش‌های اجتماعی و اسطوره‌های اصلی شیعه به ایجاد هماهنگی در نهضت توده‌ای شهری و خلق اراده‌ی اخلاقی در آن برای مقاومت در برابر اختناق و سرکوب مسلحانه، کمک نمودند. همه‌ی اینها بدین معنی بود که یک بخش بسیار سستی از زندگی ایران، ارائه‌کننده‌ی منابع سیاسی حیاتی برای شکل دادن به یک نهضت اسلامی با چهره‌ای بسیار مدرن بود» (اسکاچپل، ۱۳۷۹: ۲۰۵).

۲-۶. ساختار و قدرت شبکه‌ای

انقلاب اسلامی، مبدع بهره‌گیری از قدرت شبکه‌ای مهارناپذیر مردمی شناخته می‌شود. پیوند شبکه‌های مذهبی طیف وسیعی از نیروهای انقلابی ایران را دور از دست اندازی حکومت پهلوی به یکدیگر متصل می‌نمود. (Bayat, 2011).

۲-۷. مبارزه با صهیونیسم

عهد اصولی انقلاب اسلامی ایران به مسئله مقاومت اسلامی برگرفته از مفاهیم دینی و آیات قرآن کریم است. این آگاهی و تعهد به اندیشه‌های مقاومتی در میان ملت‌های جهان اسلام گسترش یافت و تبدیل به گام‌های عملی در راه طولانی مبارزه و جهاد در سطح جهان عرب و جهان اسلام شد به گونه‌ای که روز به روز مسئله سازش با رژیم صهیونیستی بیشتر به حاشیه می‌رود و همانطور که امام فرمودند این رژیم همچون غده‌ای سرطانی است که باید از روی زمین محو شود. پابندی امت اسلامی به مفهوم نابودی اسرائیل روز به روز و سال به سال در حال افزایش است و این نشانه پیروزی امت اسلامی در تحقق اهداف و مواجهه با دشمنان در آینده است (میلشتاین، ۱۳۹۰: ۲۹۲).

۳. ایران و تحولات انقلابی خاورمیانه

پدیده انقلاب اسلامی، پس از چند سده به شکل عملی و عینی، اسلام و جوامع اسلامی را از انزوا و سکون خارج کرد. انرژی آزادشده از آن به عنوان موتور محرکه همه تحرکات و خیزش جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی از یک سو مردم مسلمان منطقه را به حق و حقوق و توانایی‌های خود آگاه کرد و از سوی دیگر طلسم شکست‌ناپذیر بودن غول استبداد و اختاپوس استعمار و امپریالیسم را ابطال نمود و این مسئله خود جسارت و اعتماد به نفس را به ملت‌های منطقه برگرداند. در چنین وضعیتی بود که به تعبیر اقبال لاهوری تهران قرارگاه مسلمانان شد و جمهوری اسلامی در فرآیند ظهور، تثبیت و توسعه خود در داخل، به عامل منحصر به فردی در احیاء پایداری و توسعه بیداری اسلامی، و در شرایط کنونی به مرکز سازماندهی تمدن نوین اسلامی تبدیل شد. جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر اصل استقلال از قدرتهای شرقی و غربی و تکیه بر عزم و اراده ملی، نه تنها با تزلزل مواجه نشده بلکه توانسته در عرصه‌های مختلف به توسعه و پیشرفت دست یابد که نمود آن را در بیشتر نام‌های علمی و حتی در زمینه‌های هسته‌ای، نظامی، اقتصادی و... می‌توان مشاهده کرد. انقلاب اسلامی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی بازتولید شده و استمرار می‌یابد. تداوم انقلاب اسلامی به مثابه استمرار تأثیرات و پیامدهای منطقه‌ای و جهانی آن است.

از این رو، پیام‌ها و بازتاب‌های انقلاب اسلامی امروزه بیش از گذشته نظام منطقه‌ای

خاورمیانه و نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است؛ به طوری که انقلاب اسلامی ایران در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران یک عنصر و عامل تعیین‌کننده سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. اینکه انقلاب اسلامی که خود از دل مذهب بیرون آمده است به احیاء دین و تجدید حیات اسلامی در ایران و جهان مدد رسانده است در تولد، تجدید حیات و تداوم جریان‌ها و جریان سیاسی اسلام معاصر در سه دهه اخیر نقش کلیدی داشته است (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۱۷).

وقوع انقلاب در مصر سبب ساز تحولات اساسی در عرصه سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور گردیده باید توجه داشت که منطق تقویت روابط جدید دو کشور بیشتر بر محور "نیاز متقابل استراتژیک" است. برای ایران، مصر جدید یک بازیگر مستقل، دارای هویت، تاریخ و یک دوست بالقوه است که به اقتضای تحولات سیاسی-اجتماعی داخلی خود به ناچار بر رویکردهای منطقه‌ای برای حل مسائل منطقه‌ای تأکید خواهد کرد. از این لحاظ، دیدگاه‌های ایران و مصر در موضوعاتی همچون خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای، عدم مداخله نظامی غرب در مسائل منطقه‌ای، تقویت ائتلاف منطقه‌ای برای صلح، امنیت همگانی و غیره به هم نزدیک هستند. برای مصر نیز ایران یک قدرت نفتی و اقتصادی و با سابقه تاریخی، تمدنی و اسلامی است که می‌تواند در روابط مصر با رژیم اسرائیل، عربستان سعودی، سایر کشورهای جهان عرب و کشورهای غربی تعادل ایجاد کند. نزدیکی با ایران، مصر را از انفعال دوران پیشین خارج می‌کند و درجه قدرت منطقه‌ای و ابراز چانه‌زنی آن را بالا می‌برد. یک ائتلاف منطقه‌ای با ایران در لایه‌های مختلف سیاسی-اجتماعی و امنیتی مصر هم زمینه دارد، زمانی عمرو موسی وزیر خارجه سکولار مصر خواهان نزدیکی به ایران به همین دلیل بود. در این شرایط، بازگشت فعال مصر به صحنه سیاست منطقه‌ای خود نقطه عطفی در تقویت دیدگاه‌های منطقه‌ای برای حل مسائل منطقه‌ای است که ظرفیت‌های پیشبرد آن تنها در ایران وجود دارد (برزگر، ۱۳۹۱). در واقع اهداف ایران در این تحولات را می‌توان چنین بیان کرد:

۳-۱. حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش

جمهوری اسلامی ایران از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی همواره از حرکت‌های اسلامی کشورهای دیگر حمایت کرده و دائماً کنگره‌هایی تشکیل داده و رهبران حرکت‌های اسلامی را به ایران دعوت کرده است (بغیری، ۱۳۹۰: ۱۹۳). همچنین اصل ۱۵۴ قانون اساسی به وضوح بیان می‌دارد که «ایران اسلامی در عین اجتناب کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های

دیگر، از مبارزه حق‌طلبان مستضعفین در برابر مستکبرین در هر منطقه جهان حمایت می‌کند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۳۸: ۲۸).

۲-۲. گسترش ایدئولوژی اسلامی

ایدئولوژی اسلامی بر اساس آموزه‌های اسلامی شکل گرفته و افزایش توان مسلمانان در جوامع منطقه، در گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی تأثیر قابل توجهی خواهد داشت. ایران در این تحولات صرفاً بر مردم‌سالاری دینی و اسلام سیاسی تأکید دارد و در پی تحمیل الگوی ولایت فقیه بر دیگر کشورهای اسلامی نیست (خرمشاد و کیانی، ۱۳۹۱: ۴۶).

۳-۳. رهبری اصلاحات سیاسی در منطقه

ایران هم به واسطه سوابق، مهمترین انقلاب منطقه در طول سه دهه قبل بوده و هم به واسطه دفاع کامل از انقلاب‌های مردمی از موقعیت بی نظیری برای تأثیرگذاری بر تحولات منطقه برخوردار است به گونه‌ای که برخی محافل غربی و اسرائیلی از بدو شروع انقلاب‌های مردمی در منطقه نسبت به تأثیرگذاری انقلاب‌ها از گفتمان و راهبرد ایران ابراز نگرانی می‌کردند.

۴. چشم انداز جمهوری اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی

جمهوری ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه، باید به دنبال فرصت‌های جدید و بهره‌گیری مناسب از این تحولات باشد. لذا برای رسیدن به منافع خود در قبال تحولات کشورهای منطقه باید از ظرفیت‌هایی استفاده کند و در این زمینه از ابزارهایی برخوردار است که در صورت استفاده مطلوب از آن‌ها و نقش آفرینی مورد انتظار، مسیر دستیابی به این اهداف هموار می‌گردد. این سیاست‌ها شامل:

۴-۱. دیپلماسی چندجانبه

دیپلماسی چندجانبه، یکی از زمینه‌های فراگیر در دیپلماسی است. کشورهای موجود در منطقه را بر اساس سطح روابط با ایران می‌توان به کشورهای دوست، کشورهای بی‌طرف و کشورهای رقیب تقسیم کرد. در واقع، تقویت روابط با کشورهای دوست، ارتقای سطح روابط با کشورهای بی‌طرف و تنش‌زدایی با کشورهای رقیب، فرصت‌های بیشتر برای حمایت از جنبش‌های مردمی در منطقه، در اختیار ایران قرار خواهد داد.

۴-۲. استفاده از قدرت نهادی

بسیاری از کشورهایی که از قدرت نظامی برخوردارند، برای مشروعیت بخشی به اقدامات-شان، آن‌ها را در قالب نهادهای بین‌المللی پیگیری و عملی می‌کنند. ایران نیز می‌تواند از نهادهای بین‌المللی که در آن‌ها عضویت دارد مانند اکو، اوپک، سازمان کنفرانس اسلامی، عدم تعهد و ... برای رسیدن به اهدافش استفاده نماید (قربانی شیخ‌نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۸۹-۸۸).

۴-۳. گفتمان سازی

رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی به صورت یکباره و ناگهانی نبوده و فرآیندی تدریجی و مرحله‌ای است. این فرآیند متشکل از پنج مرحله متوالی و مترتب بر هم است که عبارتند از: انقلاب، نظام، دولت، جامعه نمونه و در نهایت تمدن نوین اسلامی. شروع فرآیند از انقلاب اسلامی است که با سرنگون کردن نظام فاسد و وابسته و برچیدن پایه‌های غلطش در سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست. تعیین جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی حاکم بر کشور مرحله دوم، یعنی نظام اسلامی را رقم زد. سومین مرحله از این فرآیند، اسلامی شدن روش و منش دولتمردان، الگوهای پیشرفت و نظامات اداره، ساختارها و بنیان‌هاست که از آن به دولت اسلامی یاد می‌شود. متأسفانه تحقق این مرحله دچار تأخیر بوده و هنوز هم شکل نگرفته است؛ از این رو امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تشکیل دولت اسلامی را مهم‌ترین وظیفه در گام دوم انقلاب اسلامی بیان کرده‌اند. بعد از عبور از مرحله سوم نوبت به تحقق ارزش‌های اخلاقی اسلامی، از جمله عدالت اجتماعی و تأمین رفاه مادی و ... در سطح کشور خواهد رسید که از آن به جامعه نمونه اسلامی نام برده می‌شود تا الگویی باشد برای سایر ملت‌ها به منظور رقم زدن تمدن نوین اسلامی به عنوان مرحله پنجم و فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی. (نورانی، ۱۳۹۱: ۲۱۲)

۴-۴. قدرت ساختاری

سیستم جهانی به مانند بدنه‌ای است که هر یک از دولت‌ها، عناصر آن را شکل می‌دهند، و بخشی از آن هستند. هر کشوری در این نظام ساختاری، جایگاهی دارد و این ساختار برای آن، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. ایران باید با شناخت منطقی از جایگاه خود در نظام بین‌المللی، ابزارهای قدرت خویش را بشناسد و از آن‌ها به طور درست استفاده نماید.

۴-۵. اعتمادسازی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل تبلیغات منفی علیه ایران و در پی سیاست ایران

هراسی، ایران همواره مورد سوء ظن سایر کشورها بوده است. در حوادث اخیر منطقه‌ای نیز، کشورهای عربی ایران را به دخالت و تحریک اعتراض کنندگان داخلی این کشورها متهم می‌کنند. در چنین فضایی لازم است ایران با درپیش گرفتن سیاست اعتمادسازی مواضع خود را منطقی جلوه دهد (قربانی شیخ‌نشین و کارآزما، ۱۳۹۱: ۹۱).

۴-۶. کنترل تهدیدها

کنترل تهدیدها و تبدیل آن‌ها به فرصت به ایران این امکان را می‌دهد که با مشکل کمتری برای دستیابی به اهداف خود برنامه‌ریزی نماید. یکی از تهدیدهای مهمی که می‌تواند منافع ایران را در منطقه با چالش مواجه کند، ناامنی در سطح منطقه خاورمیانه است. هم‌پیمانانی که با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک خود، تاکنون در افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه و حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین نقش مهمی ایفا می‌کنند. همچنین ایران باید همه ابزارها و ظرفیت‌های دیپلماتیک خود را جهت تثبیت انقلاب‌های مردمی، از طریق آگاهی بخشی به ملت‌ها به کار گیرد.

۴-۷. دیپلماسی رسانه‌ای

دیپلماسی رسانه‌ای به علت انقلاب اطلاعاتی، بخش مهمی از سیاست خارجی معاصر شده است. رسانه‌ها منبع اصلی خبر و اطلاعات و بازیگرهای قدرتمند در ارتباطات بین‌الملل هستند. نقش بسزایی که رسانه‌ها در تحولات سال‌های اخیر نظام ارتباطات بین‌الملل داشته‌اند، در پروسه تاریخی خود کم‌نظیر بوده است.

رسانه‌های جمعی و اجتماعی به عنوان بازیگر غیررسمی و فعال، دوشادوش حکومت‌ها نقش حیاتی و مؤثر در زمینه‌های ارتباطی، اطلاع‌رسانی، تبادل افکار و تصاویر و اطلاعات، هنجارسازی، تبلیغات، بسترسازی، آموزش دهی، هدایت‌الگوهای رفتاری و جهت‌دهی به افکار عمومی داخلی و بین‌المللی ایفا می‌کنند و از این رهگذر بر سیاست‌ها و روابط کشورها تأثیر شگرفی می‌گذارند. اکنون، کار ویژه سیاست خارجی؛ استفاده از رسانه‌ها برای ایجاد تصویر بین‌المللی از یک ملت است تا هویت ملی را تکمیل کند و بدین طریق، دیپلماسی رسانه‌ای عامل مسلطی است که احساس یک ملت را از خود و تصویری که بقیه جهان از او دارند هم‌تراز می‌کند. بدین طریق، در حالی که هر ملتی این توانایی را دارد که با کنترل رسانه‌های داخلی، هویت ملی خود را بسازد، همچنین می‌تواند با تسلط بر رسانه‌های جهانی، تصویر بین‌المللی و جایگاه خود را در سلسله مراتب سیاسی جهانی شکل دهد. (بیکی، ۱۳۸۸)

نتیجه گیری

گفتمان سیاسی اسلام مجموعه ای از گفتمان ها است که وجه مشترک همه آنها همبستگی اسلامی در تمام جهان است. انقلاب اسلامی ایران با هوشیاری و مهارت توانست گفتمان سیاسی خود را در شرق و غرب عالم بگستراند و ندای امت اسلامی را سر دهد به گونه ای که گسترش این گفتمان و عمق تأثیر آن در امت اسلامی غرب را به هراس انداخت. امروزه اوضاع جهان اسلام به مرحله ای از بلوغ رسیده است که نیازمند حرکت به سوی اقدامات ایجابی مؤثر می باشد. امام اسلام را به جایگاه شایسته خود باز گرداند و این برآمده از عمق فقه و فهم امام نسبت به اسلام بود و محصول سیراب گشتن امام از سرچشمه ها و منابع ناب اسلام یعنی قرآن کریم و سنت نبوی و مکتب اهل بیت و درس گرفتن از تاریخ جهادی و انقلابی اسلام بود که در مبارزه مسلمانان با تمامی دشمنان اسلام متجلی بود. تا پیش از انقلاب اسلامی ایران روابط حاکم میان نیروهای اسلامی و غیراسلامی منطقه ناخوشایند و برخوردآمیز بود به گونه ای که هر یک دیگری را رد می کرد. این مسئله نه فقط درباره ملی گراها و ناسیونالیست ها، بلکه درباره اسلام گراها هم صادق بود و غیر اسلامی ها به دیده دشمنی به اسلام گراها نگاه می کردند. این نگاه ناشی از بی اعتمادی میان طرفین بود و مجموعه ای از عوامل داخلی و خاص موجب این بی اعتمادی و این نوع نگاه دشمنانه شده بود، از جمله طرح استعماری غرب برای تجزیه ملت های منطقه و ایجاد دشمنی میان جریان ها نیروهای مختلف از آن جهت استمرار سلطه استعمار و حکومت های مرتبط با آن در منطقه. همچنین برپایی یک نظام سیاسی اسلامی یعنی جمهوری اسلامی ایران موجب همگرایی در منطقه گردید و جمهوری اسلامی به واسطه انقلاب اسلامی، ایران را از پایگاه دشمنان به پایگاه مقاومت تبدیل کرد و به همکاری و تعامل به منطقه عربی و اسلامی در راستای اهداف بزرگ اسلامی سوق داد. این تحولات برای ایران هم فرصت است و هم چالش. "فرصت" از این لحاظ که ژئوپلیتیک تنهای ایران در منطقه با روی کار آمدن دولت های ملی-اسلامی جدید در منطقه برطرف و این خود سبب تقویت سطح روابط با کشورهای عربی و به تبع تقویت نقش منطقه ای ایران می شود. همچنین به دلیل تقویت دیدگاه های منطقه ای، ایران در حوزه ارزشی و ژئوپلیتیک به منطقه نزدیک تر می شود. "چالش" از این لحاظ که این تحولات ممکن است به همان اندازه هم در آینده در روابط منطقه ای ایران با بازیگران تأثیرگذار منطقه ای و فرامنطقه ای تضاد به وجود آورد. اساساً، ارزش ژئوپلیتیک ایران به ایفای نقش منطقه ای است. ایران یک قدرت در حال ظهور

منطقه‌ای است که می‌تواند از انقلاب‌های عربی به عنوان یک فرصت راهبردی برای تقویت دیدگاه‌های اعتقادی و تثبیت نقش منطقه‌ای خود استفاده کند.

منابع

- اسکاجیل، تدا (۱۳۷۹). حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران، ترجمه محسن امین‌زاده، مندرج در: عبدالوهاب فراتی، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، چاپ ۲، قم، معارف.
- اقارب‌پرست، محمد و مهربان‌فر، هادی (۱۳۹۰). جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا: تلاقی استبدادستیزی و اسلام‌خواهی، ره‌آورد سیاسی، ۸ (۳۲)، ۱۵۹-۱۷۸.
- باتامور، تام (۱۳۶۶). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: انتشارات کیهان.
- بغیری، علی (۱۳۹۰). جنبش‌های اخیر خاورمیانه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ره‌آورد سیاسی، ۸ (۳۲)، ۱۷۹-۲۰۲.
- بیکی، مهدی (۱۳۸۸). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفری‌ولدانی، اصغر (۱۳۸۸)، ایران و مصر: چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران: انتشارات مرز فکر.
- جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱). قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه‌ی صدور فرهنگی انقلاب (با تأکید بر بیداری اسلامی در منطقه)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱ (۴)، ۶۱-۸۶.
- جمالی، جواد (۱۳۹۰). تأثیرسنجی قدرت نرم انقلاب اسلامی بر انقلاب‌های عربی، عملیات روانی، ۹ (۲۸)، حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۱). ایران و انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه: برداشت‌ها و اقدامات، مطالعات انقلاب اسلامی، ۹ (۲۸)، ۱۳۷-۱۶۲.
- خرمشاد، محمداقبر و کیانی، نیما (۱۳۹۱). تمدن اسلامی الهام‌بخش موج بیداری اسلامی، مطالعات انقلاب اسلامی، ۹ (۲۸)، ۲۷-۵۰.
- خمینی، روح‌اله موسوی (۱۳۶۰). صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره))، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، جلد ۵.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۵). جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی، حضور، ۵۷.
- صالحی، جواد و شهابی، مهدیه (۱۳۹۱). تأثیر انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه، بیداری اسلامی، ۱ (۱)، ۵۱-۶۱.
- صدیقی، کلیم (۱۳۷۵) مسائل نهضت‌های اسلامی، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.
- عباسی، فهیمه (۱۳۹۰). لیبی و بیداری اسلامی، مجموعه مقالات کوتاه دانشجویی با موضوع بیداری اسلامی، به کوشش مهدی یزدان‌پناه، تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با همکاری معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

فوکو، میشل (۱۳۸۰). ایران روح یک جهان بی‌روح و ۹ گفتگوی دیگر با میشل فوکو، مترجم نیکو سرخوش، تهران: نشر نی.

قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۲). جهانی شدن و جهان سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
کوهن، جین و دیگران (۱۳۸۶). فهم و مطالعه جنبش‌های اجتماعی جدید، علی حاجلی، تهران، جامعه و فرهنگ

کوئن، بروس (۱۳۷۸). مبانی جامعه‌شناسی، غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چاپ دهم
گلجان، مهدی (۱۳۸۵). بررسی روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ایران و مصر از سال (۱۳۳۱-۱۳۵۷ ه.ش/ ۱۹۵۳-۱۹۷۹ م)، تهران: انتشارات امیرکبیر.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، مترجم منوچهر صبوری، تهران: نشر نی
میلشتاین، میخائیل (۱۳۹۰). خاورمیانه قدیم- جدید: انقلاب‌ها در خاورمیانه و تبعات آن بر اسرائیل، کتاب خاورمیانه ۸، ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در خاورمیانه، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه سیدمحسن رحمانی و مهدی ذولفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

نورانی، امیر (۱۳۹۱). مصر: بیداری اسلامی و الگوی ایران، مطالعات انقلاب اسلامی، ۹(۲۸)، ۲۱۴-۱۹۱.
واگو، استفان (۱۳۷۳). درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی، احمدرضا غروی‌زاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.

هنری لطیف‌پور، یدالله (۱۳۸۰). فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
اقبالی، ابوالفضل (۱۳۹۱). وجوه تشابه انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری اسلامی مصر، ویژه‌نامه روزگار وصل (بیداری اسلامی)، یکشنبه، ۲۱ آبان ۱۳۹۱، در: <http://fa.bidarieslami.com/view-4462.html>

اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). تحولات سیاسی مصر؛ رویکردها و پیامدهای منطقه‌ای (شماره ۴)، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، در: <http://isrjournals.ir/fa/essay/172-essay-farsi-39.html>

صالحی، علی‌اکبر (۱۳۹۰). همایش بین‌المللی بیداری اسلامی، سایت رسمی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۹۰/۳/۱۰ رجوع شود به: www.mfa.gov.ir

اشرفی، مجتبی و اشرفی، مرتضی (۱۳۹۰). بررسی تأثیر انقلاب اسلامی بر انقلاب مصر، پایگاه تخصصی مطالعات سیاست بین‌الملل اینپا، رجوع شود به: <http://www.political.ir/post-970.aspx>

آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۸۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای، خطبه‌ای نماز جمعه ۱۳۸۹/۱۱/۱۵، قابل

دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10955>

برزگر، کیهان (۱۳۹۱). اهمیت سفر مرسی به تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک

خاورمیانه، در: <http://fa.merci.ir/default.aspx?tabid=127&ArticleId=1746>

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۱). راه احیای روابط مصر با ایران از سوریه می‌گذرد، ۱۳۹۱/۷/۲۱، قابل دسترسی در:

<http://www.irdiplomacy.Ir/fax/page/1907858>

نیازی، شهریار (۱۳۹۰). جنبش‌های اخیر در خاورمیانه تحول‌خواه هستند، سایت مرکز پژوهش‌های علمی

و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، قابل دسترسی در سایت: <http://www.irdiplomacy.ir/fa>

نبوی، سیدعبدالامیر (۱۳۹۰). نقش جوانان در خیزش نوین مردم مصر، سایت مرکز پژوهش‌های علمی و

مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۸ اردیبهشت، سایت: <http://fa.merc.ir>

نوربخش، یونس (۱۳۹۰). هویت جدید دینی در خاورمیانه جدید، سایت دیپلماسی ایرانی، خرداد، قابل

دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa>

Blanks, Divide and Frassetto, Michael (1999), "Western View of Islam in mealeaval".

Bayat, Asef (2011), "The Post-Islamist Revolutions", Foreign Affairs: <http://www.Foreignaffairs.Com>.

Goldstone, Jack A. Understanding the Revolutions of (2011), May/June 2011, in. Hamid, Shadi, (2011), The Rise of the Islamists, May/June 2011, in: <http://www.Foreignaffairs.com/articles/67696/shadi-hamid/the-rise-of-the-islamists>.

<http://www.foreignaffairs.com/articles/67694/jack-a-goldstone/understanding-the-revolution-of-2011>.

Nor land and Kirkpatrick, (2011), "Islamists. Growing Sway Raises Questions for Libya", New York Times (September 14).

THE Emerging Shia Crescent Symposium: Implications for U.S. Policy in the Middle East (2006), <http://www.cfr.org/> June 5.

White, Richard (2007), "Islamic Fundamentalism and Political Islamic", York News: Macmillan Press.